

وکیل از کدام حق دفاع می کند ؟

رضا مقصودی- وکیل دادگستری

چکیده:

بارها شاهد اظهارات و شبهات افرادی بوده ایم که در مقوله دفاع وکیل از موکل خویش تشکیک کرده و دانسته و ندانسته با خلط دو مفهوم حق دفاع با دفاع از ناحق سعی بر آن دارند تا این گوهر ارزنده (حق دفاع) را از دایره عدالت قضائی خارج و بدینوسیله به اصول اساسی دادرسی چون تساوی سلاح ها و خاصه برخورداری متهم از حق دفاع خدشه وارد و نقش وکیل در دادرسی را کم رنگ یا بکلی به محاق نسیان یا وادی انکار کشانده و بالمآل فلسفه و ضرورت جوهر وکالت و عناصر ذاتی آن چون استقلال را در نظر مخاطب به شبهه و تردید افکنند!

این قصه اگر با علم و عمد و کشیدن نقش مار انجام شود، راه گریزی از آن جز با آگاهی بخشی و افزایش سطح بینش و دانش مخاطبان نیست ولی اگر خود ناشی از غفلت از مبانی و اسباب و فلسفه وکالت باشد، پاسخ آن موضوع مقاله حاضر را تشکیل می دهد.

باب اول: انواع حق

در ادبیات حقوقی، عرفانی و اجتماعی ما ، واژه حق در چهار معنای متفاوت به کار رفته است :

- 1 - به معنای مطابقت ادعا با مستندات پرونده (حق متحرک) .
- 2 - اصابت با واقع امر.
- 3- مطابقت با لوح محفوظ.
- 4- حق دفاع .

1 - به معنای مطابقت ادعا با مستندات پرونده (حق متحرک) :
از دیدگاه آئین دادرسی ذیحق به کسی اطلاق می شود که دارای مدارک و مستندات مثبت دعوی باشد. از این نظر ، احقاق حق از یک طرف به معنای شناخت مبنا و سبب دعوی ، کیفیت طرح و اقامه دعوی، مطابقت اسناد و مدارک با خواسته و از طرف دیگر شناسایی حق توسط قانون، مطابقت دعوی با مبانی حقوقی، احراز صحت و اصلت اسناد و رعایت اصول دادرسی می باشد. هرگونه اقامه دعوی بدون ارائه ادله قانونی و شرعی و مستندات مثبت و هر نوع دفاع نامتناسب با دعوی و فقد مدارک و دلائل مرتبط و مؤثر در دعوی در این مقام موجب رد دعوی و یا محکومیت است.

2- اصابت با واقع امر

چنین نیست که در جریان دادرسی کسی که در واقع ذیحق است، همواره برنده دعوی باشد. بلکه بسیار اتفاق می افتد که صاحب حقی به دلیل عدم توانائی در طرح صحیح دعوی، نداشتن مدارک و مستندات لازم، دفاع نامتناسب و فقد ادله اثباتی، مواجه با محکومیت شده و آثار و نتایج زیانباری نیز بر وی تحمیل می شود. اینک گفته اند: « قاضی فصل خصومت می کند نه احقاق حق »؛ ناظر بر همین نکته مهم و اساسی در دادرسی است. دادرس در مقام قضاوت نمی تواند بر خلاف مندرجات و مستندات پرونده، رسیدگی کرده و انشاء رأی نماید. حتی اگر وی به طریقی خارج از مستندات پرونده، به حقانیت اطراف دعوی علم و آگاهی یافت و این علم بر خلاف مدارک و دلایل پرونده بود، نمی تواند به علم خود عمل کرده و جریان دادرسی را از مسیر رسیدگی قانونی خارج نماید.

از همین جا به دو نکته ی اساسی واقف می شویم:

الف) یکی از دلایل دلخوری و ذهنیت منفی نسبت به دادگستری، آنست که غالباً گمان می برند همین که خود را واجد حقی یافتند، این حق قابل احیا و مطالبه در نظام دادرسی است و وقتی به دلیل ناتوانی در اقامه دعوی و اثبات و احقاق حق خویش در دعوی بازنده می شوند، به دستگاه قضا بدبین شد و حتی به قاضی که طبق قانون رسیدگی کرده، اتهام جانبداری از ناحق زده و از وی تصویری منفی که منطبق با واقع نیست، می سازند.

ب) اهمیت نقش و جایگاه وکیل دادگستری در دعوی نیز آشکار می شود. وکیل در مقام قبول وکالت به مانند قاضی از دریچه علم وکالت خویش پرونده را مورد رسیدگی قرار داده، ادعای موکل را با موازین و اصول حقوقی سنجیده، وزن دلائل و بینة اثباتی وی و تناسب آن با دعوی را بررسی کرده، جهت و سبب دعوی را تشخیص داده و نسبت به طرح صحیح دعوی یا دفاع متناسب اقدام می کند. نقش وکیل در احقاق حق واقعی موکلی که اتفاقاً فاقد مدارک برای اثبات است نیز حساس و کلیدی است. وی می تواند با استفاده از تخصص حقوقی و علم وکالتی خویش قبل از ورود به دعوی، نسبت به جمع آوری و ارائه ادله متناسب اقدام کرده و حق به معنای نخست را با حق به معنای دوم در هم آمیزد و به اصطلاح حق را به حق دار برساند.

3 - مطابقت با نفس الأمر و لوح محفوظ

این برداشت از حق دارای جنبه عرفانی و درک عارفانه از حقائق هستی و تناسبی که

سرنوشت بشر با اعمال وی دارد، می باشد. لذا گفته اند: اعمال ما عادت می سازد، عادت ملکه می سازد و ملکه تجسم می آفریند.

یعنی بازتاب اعمال انسان به وی برمی گردد. لذا برخی عرفا با استناد به آیات قرآن و احادیث معتقدند هر مشکل، مصیبت، تلخی، صعوبت یا امر ناگواری که به انسان می رسد، حاصل اعمال وی و انعکاسی از رفتارش در گذشته است.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ (سوره : الشوری آیه : 30)؛ اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می کنید و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند.

این جهان کوه است فعل ما ندا — سوی ما آید ندا ها را صدا (مولانا)

از این دیدگاه، حوادث جهان هستی و نظام کائنات عین عدل و انصاف است. آنچه از نگاه تنگ دنیوی ما که از اسرار آفرینش غافلیم، ظلم و ناروایی است، در این پندار که مبتنی بر کشف و شهود و شناخت حقائق امور است، عین حق و صواب می باشد. کسی که حقی را پایمال کرده و مباشر یا سبب ظلمی گردد، در همین دنیا با ظلم و تزییع حق خود توسط دیگری مواجه می شود. این فهم عرفانی از عالی ترین مرتبه خود شناسی و حاصل مجاهدت دائمی با نفس و متأثر از زیباترین روح پرستنده است. قلم بدین جا رسید و سر بشکست ... که دست ما خاکیان از آن مقامات عالی کوتاه است.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

4- حق دفاع

در مقابل معانی یادشده از "حق" مفهوم دیگری وجود دارد که مطلوب و منظور سخن حاضر است و در ادبیات حقوقی و فلسفه دادخواهی از آن به "حق دفاع" تعبیر می شود.

باب دوم - تبیین و تشریح حق دفاع

تعیین دقیق حدود و ثغور و جایگاه و نقش این مفهوم از حق، بطلان و اشکال نظریه ای را که معتقد است وکیل می بایست تنها مدافع از حق باشد و وکالت از ظالم حرام است، به روشنی ثابت و مستند می سازد.

به نظریه و شبهه فوق دو پاسخ حلی و نقضی داده شده است:

الف-) پاسخ حلی، مبتنی بر آنست که در این نظر بین معانی سه گانه شمرده شده از حق، با حق دفاع مفهوما و مصداقا خلط و اشتباه صورت گرفته است.

به این بیان که در بررسی دقیق انواع حق با نوعی از حق مواجه می شویم که در نظریات حقوقی و فلسفی مختلف از این خلدون و منتسکیو گرفته تا دیگران در تشریح و تبیین مبانی حکومت، تحلیل رفتار و وظائف حاکمان و حاکمیت، تعلیل تفکیک قوا، فلسفه وضع قانون و طرح جامعه مدنی به آن پرداخته شده است.

هر انسان بما هو انسان و از آن جهت که عضو اجتماع و ملزم به رعایت قواعد و قوانین جامعه می باشد، صاحب حقوقی نیز هست.

شخصی که نظم اجتماع را مختل و به حقوق سایرین تجاوز کرده حتی اگر مرتکب شنیع ترین جنایات شده و عمل وی از مصادیق خطرناک ترین جرائم و مشمول اشد مجازات تلقی شود، دارای حقوقی از جمله حق دفاع می باشد و قانون گذار برای نحوه رسیدگی به جرائم نقض کنندگان قوانین اجتماعی و متجاوزین به حریم دیگران، تشریفات و آیین رسیدگی خاصی وضع کرده که نقض آن خود موجب مسئولیت و ضمان آور می باشد. حضور وکیل در جریان دعوا و دخالت وی در فرآیند رسیدگی، تضمین کننده این حق قهری، شناخته شده و الزام آور بوده و ضامن سیر درست جریان دادرسی، بقای امنیت حقوقی و حافظ نظم قضائی می باشد. « در آنجا که حق فردی اشخاص مورد تجاوز قرار گرفت مراجع ذیصلاح از طرق مقتضی و مربوطه در مقام اعاده و جبران آن برمیآیند و این امر بالاخص در مورد ارتکاب بزه بیشتر تجلی مینماید زیرا در اینجا حق فرد و حق جامعه با یکدیگر اصطکاک پیدا میکند که با انجام تعقیب کیفری مجرم و تعیین کیفر متناسب با شرائط و اوضاع و احوال خاص روحی و اجتماعی و میزان مسئولیت او جامعه حق خود را میگیرد و هم اینکه با امکان دسترسی متهم به خدمات و تجارب و تخصص وکیل مدافع حقوق او محفوظ می ماند. و بهمین دلیل است که بطور کلی و به حکم قانون هیچ متهمی در هیچ دادگاهی نباید از کمک و خدمات حرفه ای وکیل دادگستری بی نصیب باشد. به عبارت اخری هیچ متهمی نباید بلا دفاع بماند. و لذا موضوع وکیل تسخیری در امور کیفری و همچنین معاضدت قضائی در امور حقوقی برای افرادی که حششان مورد تضییع قرار گرفته و دارای بضاعت مالی کافی نیستند در قانون پیش بینی شده است ... حق دفاع به قدری طبیعی و محترم است که سرلوحه تمام قوانین اساسی کشورهای جهان قرار گرفته است. (1) »

ب)- پاسخ نقضی: چنانچه دفاع مشروع وکیل را تنها منحصر و معطوف به دفاع از حق بدانیم با این اشکال نقضی مواجهیم که وکالت تسخیری چگونه قابل توجیه است؟ با این وصف که وکالت تسخیری امری قانونا الزامی بوده و وکیل صاحب اراده در قبول و یا رد دفاع نیست!

هر چند برخی این تاسیس قانونی را چنین توجیه کرده و ضروری دانسته اند که "ممکن است متهم بی گناه و مظلوم بوده و بی جهت در معرض اتهام قرار گرفته باشد، لذا وکیل

تسخیری از این رو خوانده می شود که شاید بتواند با استفاده از تخصص خود راهی را برای اثبات رخ دادن اشتباه و یا بیگناهی متهم پیدا کند و بدین معنا نیست که وکیل تسخیری برای ناحق کردن حق، برگزیده می شود." آفتاب آمد دلیل آفتاب. با توجیه و پاسخ مذکور، غرض و مطلوب ما از بیان حق دفاع ثابت و حاصل می شود به این نحو که امکان اتهام ناروا و اشتباه به متهم و یا مظلومیت و بیگناهی موکل، همان ملاک و مناط کلی در مشروعیت حق دفاع است و به همه موارد دادرسی قابل تسری بوده و منحصر به باب وکالت تسخیری نیست!

لذا، دفاع از دیدگاه قانونی و حقوقی یک نوع حق مسلم و طبیعی برای افراد جامعه شناخته شده است و این امر از اینجا سرچشمه گرفته که هر فردی در جامعه دارای حقوقی است مانند حق آزادی، حق مدنی، حق سیاسی، بدین معنی که سلب کردن هر یک از این حقوق مغایر و خلاف حقوق فردی، حقوق فطری و حقوق اجتماعی است. (2)

دستاورد: از همین جا و با این تحلیل، بطلان نظر و سستی عقیده آنان که وکلا را به دلیل دفاع از حقوق متهمین به جانبداری از ناحق متهم و محکوم می کنند، آشکار می شود زیرا وکیل نه از عمل متهم، که از حقوق مشروع و تضمین شده وی دفاع می کند.

پی نوشتها:

- 1 - مقاله تحلیل حق دفاع از لحاظ فردی و اجتماعی، سید محمد رضا جلالی نائینی - مجله کانون وکلای مرکز - پاییز و زمستان 1355 - شماره 136 و 137
- 2 - همان